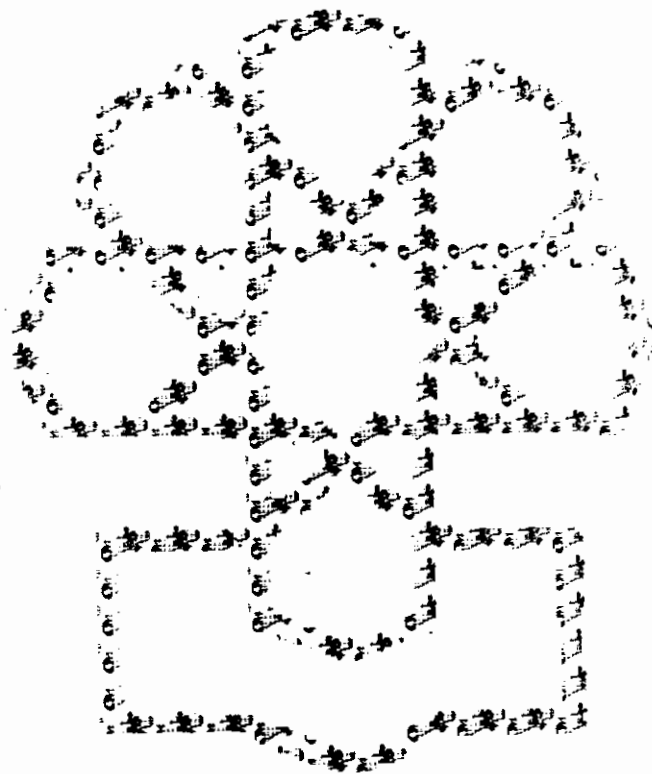




نگاهی به اهداف تشکیل بسیج دانشجویی



معاونت پژوهشی
دی ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۴۲۱۶

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه واحد اسناد و کتابخانه ملی
شماره: ۱۰۳۳۸
تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۴

انقلاب اسلامی ایران میوه درختی است که به دست مبارک رسول گرامی اسلام کاشته شد. با خون انمه مسلمین آبیاری گشت و علمای اسلام و مجاهدان راه حق آن را از حوادث دوران حفظ کردند تا به دست فرزند رشید پیامبر - امام امت - به ثمر نشست. امام با بیداری و بسیج امت، سبلی خروشان به راه انداخت و قوی ترین عنصر دست نشانده در تمامی کشورهای اسلامی را سرنگون ساخت. این انقلاب مانند بیشتر انقلاب‌ها مردمی سریع و ناگهانی بود. ارزش‌های مسلط را دگرگون ساخت و سیستم سیاسی حاکم را تغییر داد. ولی فرق عمده‌ای با دیگر انقلاب‌ها داشت و آن هدفش در تحقق حاکمیت... بود. قدرت و نفوذ معنوی رهبر با پشتوانه نیابت از امام معصوم، مردم را مجذوب و متقلب ساخت به طوری که با دست خالی طاغوت را سرنگون کردند و پیروزی خون بر شمشیر را رقم زدند.

با پیروزی انقلاب و اوج گرفتن طنین توحید، موج فتنه به سوی این انقلاب به راه افتاد. امام تشکل اعتقادی در قالب بسیج را برای حفظ حراست از انقلاب و نظام اسلامی سازماندهی کرد و تشکیلات ارتش ۲۰ میلیونی را ضامن تداوم انقلاب دانست. با توجه به جمعیت ایران در زمان طرح این شعار می‌توان دریافت که تمام جوانان و کتیه‌آحادی که به نحوی توان دفاع از نظام مقدس اسلامی را دارند می‌باید تحت لوای بسیج بپا خیزند. بسیج تنها چهره نظامی ندارد، در هر میدانی که دشمن پای گذارد می‌باید با نیروی آرایش یافته بسیج روبه‌رو شود. تهاجم دشمن گاهی نظامی است، گاهی فرهنگی است، ممکن است علمی باشد، زمانی اقتصادی است و زمانی سیاسی است. پس بسیج باید در تمام عرصه‌ها حضور یابد و هر میدانی ابزار خود را می‌طلبد. آوردگاه نظامی توپ و تفنگ می‌خواهد، عرصه فرهنگ قلم و منطوق می‌طلبد و تمام میدان‌ها هوشیاری و آمادگی می‌خواهد. دشمن نقاط قوت و ضعف ما را بررسی کرده، فرصت‌ها و تهدیدهای ما را تا حدی می‌شناسد. عواملی تربیت کرده و به میان ما فرستاده است. افرادی را فریفته و جذب خود کرده است. خوب می‌داند چگونه میدان فرعی ایجاد کند و دوستان انقلاب را سرگرم و مشغول سازد و نیروی شیطانی خود را به پیش ببرد. عرصه نبرد بسیار پیچیده‌تر از ابتدای انقلاب است.

یکی از نظریه پردازان غربی اخیراً در کتابش سازمان سیاسی در کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده و با دست گذاشتن بر روی ایران، راه حل غلبه بر انقلاب را مخدوش کردن معیارها دانسته است. این امر به خوبی در عملکرد عناصر وابسته مشهود است. در سخنان و نوشته‌های خود می‌کوشند معیارهای شناختن حق از باطل از مردم گرفته شود و معیار بازشناسی معروف از منکر وجود نداشته باشد. اخیراً دانسته یا نادانسته در کشور ما مد شده که می‌گویند قرآن را قرائت دیگری باید کرد. یا این یک قرائت از فلان مطلب است. قرائت دیگری هم هست. متأسفانه در بسیاری از این موارد معیارها مخدوش شده است. این همان

خواستہ دشمن است. علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

«فَلَوْلَا الْبَاطِلُ خَلَصَ مِنْ مَزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُتَادِينَ، وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ لَنْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ. وَلَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ. وَمِنْ هَذَا ضَعْفٌ، فَيُمَزَّجَانِ، فَهَذَا لِكَ بَسْتَوَلِي الشَّيْطَانَ عَلَى أَوْلِيَانِهِ وَيُجَوِّدُ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْخُسْفَى».

«اگر چنان بود که باطل کاملاً عریان بود و آمیزه‌های از حق نمی داشت. بر کسانی که طالب حق هستند پوشیده نمی ماند و اگر حق کاملاً از باطل متمایز می شد و آمیزه‌های باطل از آن جدا می شد، کسی نمی توانست درباره آن به بدگویی و انتقاد پردازد. اما چنان نیست و حق و باطل با یکدیگر آمیخته می شوند و این جاست که شیطان بر پیروانش تسلط می یابد و تنها کسانی که اراده الهی به هدایت آنها تعلق گرفته، نجات می یابند».

برای شناخت حقیقت باید قوای فکری و عقلانی را به کار برد. آمادگی روحی و روانی کسب کرد و تقوای الهی پیشه کرد «ان تقوا الله يجعل لكم فرقا».

امروز ما هم در مقابل قوی تر و آزموده تر شده ایم. از پشترانه سال‌های مبارزه و ۲۰ سال اداره نظام اسلامی برخورداریم. ترفندهای مختلف دشمن را، ولو به بهای گزاف خنثی کرده ایم. همچنان رمز موفقیت توکل به خداوند و وحدت کلمه و پیروی خاصانه از ولی امر مسلمین است.

۱- بسیج دانشجویی

«بسیجیان باید بدانند که کارشان به پایان نرسیده است. انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاری‌های شماسست و مسئولین تنها به پشترانه شماسست که می توانند به تمامی تشنگان حقیقت ثابت کنند که بدون امریکابه زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی می شود رسید».

امام خمینی (ره) حضرت امام خمینی در سال ۱۳۶۷ در آخرین پیام خود به مناسبت سالگرد تأسیس بسیج، علاوه بر تأکید بر بقای بسیج و نقش پراهمیت آن در روند تکاملی انقلاب اسلامی به نکته مهمی اشاره نمودند که تا آن زمان بی سابقه بود و کسی طرح ننموده بود. حضرت امام در این پیام تشکل جدیدی را معرفی و خواستار ایجاد آن شدند و فرمودند:

«امروز یکی از ضروری ترین تشکل ها، تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه است».

در همین پیام وظایف سنگین و مهمی را نیز برای آنان معین نمودند:

«فرزندان بسیجیم در این دو مرکز. پاسدار اصول تغییرناپذیر نه شرقی و نه غربی می باشند و از نفوذ ایادی شرق و غرب در این دو مرکز حساس جلوگیری نمایند».

از مجموعه فرمایشات حضرت امام (ره) در می یابیم که ایشان اصلی ترین وظیفه دانشجوی بسیجی را پاسداری از اصول اسلامی و جلوگیری از نفوذ ایادی غرب و شرق در دانشگاه تعیین نموده اند.

نکته جالب تر این که بنیان گذار انقلاب اسلامی مجموعه های موجود آن زمان در دانشگاه ها یعنی سایر تشکل ها را برای اجرای این وظیفه کافی نمی دانستند و خواستار تشکیل این تشکل جدید بودند.

جدا از این که بخواهیم فلسفه وجودی سایر تشکل های دانشجویی را بررسی کنیم یا موقعیت آنها را

تضعیف نماییم. باید بگوییم که نکته‌ای که امام را نگران می‌نمود و وجود این گونه تشکلهای را کافی نمی‌دانست این بود که معمولاً این تشکلهای مانند احزاب با اغراض و ایده‌های سیاسی خاصی تشکیل شده و فعالیت می‌نمایند و اصولی‌ترین مسئله‌ای که دنبال می‌کنند رسیدن به اهداف سیاسی خویش است که البته چون ماهیتی حزب گونه نیز دارند و تشکلهای سیاسی محسوب می‌شوند تا حدودی طبیعی نیز هست.

امام نیاز اساسی دانشگاه را وجود تشکلی «ولایت محور» می‌دانستند که پاسدار تفکر اسلام ناب محمدی (ص) و عدم تمایل به شرق و غرب باشد. امروز که از پس سال‌ها به این مسئله می‌نگریم متوجه می‌شویم که آنچه امام را حلمان در خشت‌خام می‌دیدند دیگران در آینه نیز نمی‌دیدند.

به راستی آیا کسی در ۱۰ سال پیش فکر می‌کرد که بعضی از تشکلهای روزی از اهداف امپریالیسم ستیزی که سال‌ها فقط نان آن را می‌خورند دست بردارند و مستقیم و غیرمستقیم اعلام برائت از افکار انقلابی خود بنمایند؟ آیا کسی فکر می‌کرد که بعضی از این آقایان عضو بعضی از این تشکلهای در مصاحبه رسمی بگویند که «مانیاید مبارزه با امریکا را به یک مسئله دینی و مقدس تبدیل نماییم» و دیگران نیز با مضامینی نزدیک به آن از اعمال گذشته‌اشان اعلام برائت نمایند و سعی در جبران مآفات کنند.

چه شده است که تا دیروز بعضی از این آقایان سعی داشتند که در مبارزه با امریکا و به قول خودشان امپریالیسم گوی سبقت را از دیگران برابند و امروز نیز جزء مقدم‌ترین افرادی شده‌اند که دست خویش را برای فشردن دست امریکایی‌ها به سوی آنها دراز نموده‌اند.

به راستی چه شده است که در داخل دانشگاه‌های ما و با حمایت بعضی از همین تشکلهای دانشجویی شعار «درود بر مصدق» سر می‌دهند. مصدقی که امام (ره) درباره ایشان فرمودند: «مصدق به اسلام سیلی زد» و فراتر این که «مصدق مسلم نبود».

از اینجاست که مشخص می‌شود امام از پس پرده زمان چه می‌دیدند و چرا خواستار این بودند که تشکل جدیدی که آن هم مشخصه اصلی‌اش بسیجی بودن آن است باید در دانشگاه شکل بگیرد. تشکلی که پیرو خط ولایت باشد و پای‌و پای بگذارد و به اصطلاح عقربه قطب‌نمای او به سمت «ولئی فقیه» زمانش باشد. تشکلی که در حمایت از اسلام ناب و اصل محوری ولایت فقیه به تعبیر روایات اسلامی «اشد من الزبر الحدید» باشد نه این که در رهگذر زمان روزی ولئی فقیه را «امام خامنه‌ای» لقب دهند و روزی دیگر خواستار محدود شدن اختیارات ولئی فقیه باشند. تا اینجا متوجه شدیم که فلسفه وجودی تشکلی بسیج دانشجویی توسط حضرت امام (ره) چه بود و اما دانشجویی بسیجی چه باید بکند؟

دانشجوی بسیجی امروز در دانشگاه دو وظیفه اصلی و مهم دارد:

اول، در شرایط فعلی که دانشگاه به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های برخورد فرهنگی - سیاسی استکبار با تفکر اسلامی و تفکر بسیجی تبدیل شده است دانشجوی بسیجی باید با صبر و هوشیاری لازم و با اطلاع و آگاهی کامل و دشمن‌شناسی سعی در گستراندن فرهنگ و تفکر بسیجی در دانشگاه نماید.

گسترش فرهنگ جهاد و شهادت، الگو سازی از شهدای حوزه و دانشگاه، بازسازی معنوی فضای دانشگاه نمونه‌هایی هستند که می‌توان به آنها اشاره نمود.

مسئله دوم، مسئله درس خواندن و جهاد علمی است که بسیجی‌ها باید بتوانند در این سنگر نیز به دقت به وظایف خویش عمل نمایند و مانند سایر سنگرها سر بلند و پیروز بیرون آیند.

آری، بسیجی نباید تنها به میدان جنگ بیاندیشد. او باید به میدان دانشگاه و سنگر اندیشه نیز قدم نهد و

کسب علم و تخصص را «فریضه» بدانند. اما نه برای اغراض دنیایی و نه در اندیشه بدست آوردن مناصب مادی. نیروهای بسیجی باید به این مهم واقف باشند که امروز سرنوشت انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی رقم می‌خورد. بنابراین بر حسب وظیفه باید در این سنگرها حضور یابند و با حضور موفق و ممتاز خویش زمینه‌های پاسداری از انقلاب و نظام اسلامی را در این عرصه‌ها نیز فراهم آورند.

باید تمامی بسیجی‌ها که در دانشگاه هستند ممتاز باشند و ان شاء... روزی بیایند که در پرتو سعی و جهاد و کوشش در این سنگر مقدس بسیجی‌ها موفق شوند دروازه‌های پژوهش و نوآوری و ابتکار و خلاقیت را نیز فتح نمایند.

این امر مقدور نخواهد شد مگر در سایه جهاد علمی از سوی این برادران مخلص و برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده از سوی مسئولان و متولیان امر. بر مسئولان امور است که زمینه‌های تقویت حضور بسیجیان در دانشگاه را فراهم آورند.

خوشبختانه مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم آن که نوعاً از برادران و خواهران بسیجی هستند در این زمینه تمامی هم‌خویش را مصروف داشته‌اند و سعی نموده‌اند که در مقام قانون‌گذار زمینه‌های قانونی حضور پررنگ و پر فروغ بسیجی‌ها در دانشگاه را فراهم آورند. در همین راستا علاوه بر تمهیدات قبلی، اخیراً نیز طرح قانونی تشکیل بسیج دانشجویی را به تصویب رساندند تا باز هم زمینه حضور مقتدرانه این برادران را در دانشگاه تسهیل و فراهم آورند. بر تمامی برادران و خواهران بسیجی است که با عضویت در این تشکل دانشجویی به تقویت این بنیان مرصوص همت بگمارند. برادران و خواهران دانشجو بدانند هرچه جریان بسیج و تفکر بسیجی در دانشگاه‌ها ریشه‌دارتر گردد، باعث بیمه شدن هرچه بیشتر آینده انقلاب اسلامی و دانشگاه‌ها خواهد بود و به تعبیر امام امت (ره) «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شود، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد شد و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند».

۲- بسیج و آزادی قدس

یکی از میادین اصلی نبرد با استکبار، مسئله فلسطین و آزادی قدس شریف است. دشمن قبله اول مسلمین را فتح کرده، مردم مسلمان فلسطین را از سرزمین آباء و اجدادی بیرون رانده و غده‌ای سرطانی را برای ایجاد اختلاف و اضمحلال جهان اسلام در قلب سرزمین‌های اسلامی پرورش داده است. تبلیغات آنچنان است که دنیا اصل ماجرا را فراموش کرده و چشم بر روی اعمال ضد انسانی رژیم صهیونیستی فرورفته است. جالب توجه است در دنیایی که فریاد دروغین آزادیخواهی گوش‌ها را کر کرده است، نوشتن از واقعیات تاریخی صهیونیسم محاکمه و مجازات زندان را در پی دارد. اگر کسی بخواهد درباره آنچه مخالف اهداف صهیونیسم جهانی است تحقیق بکند بدترین برخوردها با او می‌شود. مردم دنیای غرب همچنان در بی‌خبری به سر می‌برند. حکام کشورهای اسلامی نیز که زمانی برای موجه جلوه دادن خود با احساسات مردم عرب و مسلمان هم صدا شده و در مبارزه با رژیم اشغالگر شعار می‌دادند امروز در نزدیک شدن به اسرائیل با یکدیگر رقابت می‌کنند.

اراده استکبار شکستن مقاومت و دور کردن فلسطینی‌ها از سرزمین اصلی بود و با سناریویی پیچیده تا آستانه تحقق آن پیش‌رفته بودند. صلح، حل برخی مشکلات ارضی و گسترش تجارت و بازرگانی اعراب با

رژیم صهیونیستی و در نهایت حاکم ساختن صهیونیسم بر مقدرات امت اسلامی سرنوشتی بود که امریکا، هم پیمانانش و رژیم غاصب دنیال می کردند. ولی روشنگری و مقاومت انقلاب اسلامی از یک سو و زیاده خواهی صهیونیسم - که ماهیت آن است - از سوی دیگر، مت فلسطین و توده های عرب را بر توطئه دشمن آگاه ساخت. امروز وظیفه همه روشنفکران، همه بسیجیان و تمام کسانی که قلب شان برای اسلام و سرفرازی امت اسلامی می طبد این است که خاطره قدس و نزوم جهاد برای آزادی فلسطین را زنده نگه دارند و با فریاد رسا و آگاهانه خود زمینه نابودی این غده چرکین را فراهم سازند.